

سیاست دینی و مذهبی خوارزمشاهیان^۱

دکتر ابراهیم باوفا

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

Bavafa@iaurasht.ac.ir

چکیده

حکومت خوارزمشاهیان (۴۹۱-۶۱۸ق) از جمله دولت‌های ترک‌تبار بود که در دوران ضعف و تجزیه حکومت سلاجقه، در خوارزم شکل گرفت. این سلسله، نظر به اتخاذ سیاست حمایت از معتزله و شیعه، فرصت تاریخی و بستر مناسبی برای مکتب اعتزال و علویان در خوارزم خاصه برای نفوذ آنان در ساختار قدرت و مناصب اداری و تشکیلات دیوانی فراهم کرد. در این مقاله کوشش شده، مقاصد سیاسی دولت خوارزمشاهیان بازبینی شود تا بر مبنای آن نقش سلاطین خوارزمشاهی در ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد جریان‌های فکری و عنایت ویژه آنان به عقاید معتزله و حمایت از علویان و شیعیان در برابر عباسیان در این سامان شناسایی شود.

کلید واژه‌ها: خوارزم، خوارزمشاهیان، عباسیان، معتزله، علویان.

طرح مساله

در فضای ناشی از سیاست دینی و مذهبی دولت خوارزمشاهیان، فرصت تاریخی و بستر مناسبی برای گردآمدن علما و دانشمندان معتزلی مذهب در خوارزم و تربیت افراد فرهیخته در مکتب اعتزالی ابوالحسین محمد بن علی بصری، خاصه نفوذ ایشان در ساختار قدرت و مناصب دیوانی و اداری فراهم گردید. هیچ یک از مورخان و پژوهش‌گران معاصر که تاریخ دولت خوارزمشاهیان به‌ویژه دوره مبارزات و مناسبات سیاسی سلطان محمد خوارزمشاه (حک: ۵۹۶-۶۱۷ق) با دستگاه خلافت عباسی در عهد ناصر (۵۷۵ - ۶۲۲ق) را با دید صرفاً سیاسی بررسی کرده‌اند،

۱. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۴/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۵/۲۲.

سیاست دینی و مذهبی این سلسله را نسبت به جریان‌های دینی و فکری در شرق عالم اسلام و استفاده از آن برای پیشبرد مقاصد سیاسی حکومت روشن نموده یا اصلاً به آن نپرداخته‌اند.^۱ پندار غالب آن است که سلطان محمد وقتی از حقوق سیاسی و کسب امتیازاتی از نهاد خلافت هم‌چون بویه‌یان و سلاجقه بزرگ بازماند، با اتخاذ سیاست شیعه‌گرایی در صدد انهدام خلافت عباسیان برآمد. چنان‌که خواهیم دید، سیاست دینی خوارزمشاهیان از آغاز بدین منوال بود و در ابتدای شکل‌گیری این حکومت، چنین سیاستی را در برابر دول همجوار و دستگاه خلافت پیشه کرده بود، اما نظر به این‌که در آستانه مبارزات سیاسی نیاز به تکیه‌گاهی مذهبی علیه دولت‌های رقیب داشت، برای رسیدن به هدف خود با سیاست عباسیان در براندازی دودمان‌های سیاسی حاکم بر شرق عالم اسلام و مغرب ایران هم‌گام شد و وقتی به تدریج پایه‌های دولت را استحکام بخشید، با استفاده از جو فکری و سیاسی موجود در دارالملک خوارزم، حکومت‌های منطقه‌ای از قبیل قراختایی و غوری را از سر راه برداشت، و آن‌گاه در صدد نابودی خلافت برآمد. در اینجا، مقاصد سیاسی، سیاست دینی و مذهبی دولت خوارزمشاهیان را نسبت به جریان‌های فکری و مذهبی با عنایت به رویکرد خوارزمیان به مکتب کلامی اعتزال و به تناسب آن جریان علویان، و برخی ویژگی‌های اعتقادی این مکتب بررسی می‌گردد و خواهیم دید که آموزه‌های کلامی معتزله و قرابت آن با عقاید شیعه تأثیر به‌سزایی در پیشبرد مقاصد سیاسی دولت خوارزمشاهیان داشته است.

مقدمه

خوارزمشاهیان، سلسله‌ای از دودمان‌های ترک تبار بودند که در فاصله سال‌های ۴۹۱ ق/۱۰۹۸ م. تا ۶۱۸ ق/۱۲۲۱ م بر خوارزم و محدوده وسیعی از ولایات شرق عالم اسلام فرمان‌روایی کردند. این سلسله در دوران حاکمیت ۱۲۷ ساله خود، با حکومت سلجوقی خراسان و مغرب ایران، غوریان و قراختائیان و نیز شش تن از خلفای عباسی مقارن بود و در طی این ایام، برای تأمین استقلال سیاسی خوارزم در مقابل سلاجقه و گسترش نفوذ خود در ممالک شرقی، به حمایت و پشتیبانی خلافت عباسی به عنوان تنها نهاد مشروعیت بخش برای پیشبرد مقاصد

۱. باسورث، «تاریخ دودمانی و سیاسی ایران»، تاریخ ایران کمبریج، ۵/ ۱۹۹؛ کاهن، «اوضاع ترکان در فاصله بر افتادن سلجوقیان و بر آمدن مغولان»، سلجوقیان، ۲۱۹ و بعد؛ بارتولد، ترکستان نامه، ۲/ ۷۷۹-۷۸۰؛ همو، خلیفه و سلطان، ۴۳-۴۴؛ بیانی، ۱/ ۸۰؛ قفس اوغلی، ۲۶۶ و بعد.

سیاسی خود نیازمند بود؛ به همین دلیل، در حدود نیم قرن از دوره حکمرانی در برابر عباسیان، سیاست قابل انعطافی در پیش گرفتند.^۱ دستگاه خلافت عباسی نیز نظر به منافع مشترک سیاسی یعنی رهایی از اقتدار و حاکمیت دولت سلجوقی با خوارزمشاهیان همگام و هماهنگ شد و با ارسال سفیرانی به گرگانج، دارالملک خوارزم، سلاطین خوارزمیه را در انجام مقصودشان یاری داد.^۲ پس از آن که خوارزمشاهیان با بهره‌گیری از این فرصت تاریخی و با ایجاد اتحاد سیاسی متوازن و تشکیلات اداری و نظامی منظم در راه توسعه سیاسی خوارزم گام‌های اساسی را برداشتند و حوزه حکمرانی را در مناطق شمالی سیحون تا حوالی طراز و با نابودی مدعیان قدرت در خراسان و ماوراءالنهر، خاصه حکومت سلجوقی عراق، تا مرزهای بغداد، تخت‌گاه عباسیان توسعه دادند،^۳ به انحای گوناگون کوشیدند مقام دنیوی خلافت را از آن خود نمایند و رسماً نهاد خلافت را تحت نفوذ و سلطه خوارزمشاهی درآوردند.^۴

گرایش اعتزالی خوارزمشاهیان و حمایت از معتزله

آن چه از پژوهش و تحقیق در آثار تاریخی، تراجم و طبقات برمی‌آید، این است که خوارزمشاهیان گذشته از انگیزه‌های سیاسی در به‌کارگیری دانشمندان و متکلمان معتزله و علویان در مقامات دیوانی و تشکیلات اداری، و نیز در عین گرفتاری‌های حکومتی و کشوری، به‌ویژه مبارزات سیاسی با نهاد خلافت، تحصیل علم و به‌ویژه کلام، همنشینی با دانشمندان و متکلمان را بهترین ایام زندگانی می‌دانستند. در سایه حکومت عادلانه، فضل و علم‌دوستی و سیاست فاقد جانب‌داری و مبنی بر تساهل مذهبی آنان، بازار علم و کلام اعتزال به فروزندگی و تابش تمام در حوزه‌های علمی و فرهنگی خوارزم، خاصه در گرگانج، دایر گردید. خوارزمشاهیان به همنشینی با آنان و گوش دادن به مناظرات کلامی و ادبی بزرگان معتزله در درگاه شاهی بسیار علاقه‌مند بودند. از معروف‌ترین چهره‌های برجسته معتزلی که در مجالس علمی و ادبی دربار خوارزمشاهیان مشارکت می‌کردند و در نزد آنها بسیار محترم و عزیز می‌زیستند، می‌توان

۱. وطواط، ۱۶/۱-۱۷، ۲۱.

۲. شبانکاره ای، نیمه اول، ۱۳۳.

۳. ابن اثیر، ۲۳۳/۱؛ جوبینی، ۳۲-۳۳؛ جوزجانی، ۳۰۱/۱؛ رشید الدین، ۳۵۱-۳۵۰/۱.

۴. ابن اثیر، ۲۵۲/۱۰؛ ابوشامه، ۸؛ ذهبی، *دول الاسلام*، ۱۰۳/۲.

به این‌ها اشاره کرد: ابویوسف یعقوب بن شیرین جندی^۱، ابوالقاسم محمود خوارزمی^۲، ابوالمؤید موفق بن احمد خوارزمی^۳، محمد بن القاسم بایجوک خوارزمی^۴، محمد بن محمود خوارزمی^۵، ابویعقوب یوسف خوارزمی^۶ (۵۵۵-۶۲۶ق)، سدید بن علی خیاطی خوارزمی^۷ (د ۶۴۵ق)، شهاب شهاب الدین ابوسعبدین عمران^۸ (د ۱۷۵ق) و ابوالفتح ناصر بن ابی المکارم خوارزمی که از داعیان داعیان پرشور معتزله در این دوران بود^۹. خوارزمشاهیان از طریق این مناظراتِ علمای معتزلی در درگاه شاهی از کلام اعتزال بسیار متأثر گشته و در علوم دینی عالم و آگاه و با دانشمندان پایتخت به مناظره می‌نشستند که در این میان سلطان علاءالدین تکش و محمدخوارزمشاه ضرب المثل بودند و در منابع این دوره به عنوان سلاطین معتزلی و تابع مذهب رایج و قدرتمند خوارزم یعنی مکتب کلامی اعتزال معرفی شده‌اند^{۱۰}؛ چنانکه در برخی از متون عرفانی این دوره، به خاطر حمایت از معتزله خوارزم و بزرگداشت متکلمان برجسته آن و عدم توجه به مشرب عرفانی مورد انتقاد و عتاب قرار گرفته و از آنان به عنوان شاهان اهل بدعت و «مبتدعان» نام برده اند^{۱۱}. سلاطین خوارزمی، نه تنها متفکران و علمای معتزلی خوارزم را ارج می‌نهادند، بلکه به منظور جلب قلوب با متکلمان برجسته خارج از محدوده دارالملک خویش نیز مناسبات دوستانه برقرار می‌کردند و با حمایت مادی از آنان مانع خروج آنان از بخش شرق

۱. سیوطی، ۳۵۱/۲؛ صفدی، ۹۵/۲۸.

۲. الحررضی یمانی، ۴۲۳؛ داودی، ۳۱۴/۲-۳۱۵.

۳. قفطی، ۳۲۲/۲؛ یاقوت، معجم البلدان، ۳۹۷/۲.

۴. ابن خطیب، ۲۲؛ سیوطی، ۲۱۵/۱.

۵. ابن قطلوبغا، ۶۶؛ لکنوی، ۲۰۰-۲۰۱.

۶. ابن ابی الوفاء، ۸۵/۲، ۲۶۶، ۳۱۶؛ لکنوی، ۲۱۳.

۷. ابن ابی الوفاء، ۲۳۸/۲، ۳۰۵، ۳۸۰-۳۸۱، نسوی، ۱۲۵؛ سیوطی، ۳۶۴/۲.

۸. نسوی، ۷۱-۷۲؛ ابن اثیر، ۴۰۲/۱۰؛ قزوینی، ۵۲۹؛ ابن کثیر، طبقات الفقهاء الشافعیین، ۲۴۱/۱.

۹. ابن ابی الوفاء، ۴۵/۲-۴۶؛ ابن خلکان، ۱۸۴/۳.

۱۰. مالی، امین الدین باله، ۵۳۷-۵۳۸؛ ابن اثیر، ۲۶۶/۱۰؛ صفدی، ۴۰۷-۴۰۸؛ یافعی، ۴۲۹/۱۳؛ ۴۸۵/۳؛ ابوشامه،

۱۷/۲؛ ابن عماد، ۳۲۴/۴؛ ذهبی، العبر، ۱۷۳/۳-۱۷۴، همو، تاریخ الاسلام (۵۹۱-۶۰۰ق) ۲۳۳-۲۳۴، (حوادث

۶۱۱-۶۲۰) ۳۶۳؛ سبکی، ۳۳۱/۱-۳۳۲؛ ابن ابی الوفاء، ۱۷۵/۱.

۱۱. نجم الدین دایه، ۱۶، ۳۹۴؛ بهاء ولد، ۸۲/۱؛ افلاکی، ۱۱/۱.

عالم و عزیمت به عراق می‌شدند.^۱ و حتی شهرهایی را که تسخیر می‌کردند در تکریم و حمایت حمایت از دانشمندان برای رقابت با دستگاه خلافت می‌کوشیدند که در این زمینه باید به عنایت تکش به عراق عجم اشاره کرد که پس از بازپس‌گیری آن از دست الناصرالدین الله، گفت: مراعات و تکریم ما نسبت به ائمه بیش از عراقیان نسبت به ایشان است.^۲

معتزله در تشکیلات دیوانی و اداری

در این روزگار، افزون بر پیروان مکتب کلامی اعتزال، طیف وسیعی از فرقه‌های مذهبی در ولایت خوارزم به فعالیت اشتغال داشتند. از آن جمله می‌توان به فرقه‌هایی نظیر ماتریدیه^۳، اشعریه^۴، حشویه^۵، حنبلیه^۶، متصوفه^۷ و فلاسفه^۸ اشاره کرد که در این میان، سلاطین خوارزمیه تنها از دانشمندان و صاحب نظران معتزله و فلاسفه از نظر مادی و معنوی جانبداری و در تشکیلات اداری و مذهبی از ایشان استفاده می‌کردند؛^۹ چنان که در دوره قطب‌الدین محمد بن انوشنگین (حک: ۴۹۱-۵۲۱ق)، اتسز (حک: ۵۲۱-۵۵۱ ق) و ایل ارسلان خوارزمشاه (حک: ۵۵۱-۵۶۸ق)، یعقوب بن شیرین جندی (د. بعد از ۵۴۷ق) مکنی به ابو یوسف قاضی، خطیب و رئیس دیوان رسالت خوارزم بود^{۱۰} و محمد بن ابی القاسم بایجوک^{۱۱} (د. ۵۶۲ ق) و

۱. از جمله رکن‌الدین عمید، که به طبع سلیم و ذهن مستقیم خویش بر همگان برتری داشت و هرگاه به شهری شهری می‌رسید جمیع علما نزد او حاضر می‌شدند و تصانیف وی را نزد او می‌خواندند. وقتی عازم عراق شد سلطان محمد که او را در دنیا بی‌نظیر و زینت دیار شرق می‌دید مانع شد و پیغام داد که «اگر از سلطان خواهشی داری بکن و از مملکت خارج نشو» (قزوینی، ۵۳۶-۵۳۷؛ ذهبی، سیر اعلام، ۷۶/۲۲-۷۷، ۹۷/۸؛ ابن ابی الوفاء، ۱۲۸/۲، ۳۲۹).

۲. راوندی، ۳۸۴.

۳. ابن ابی الوفاء، ۴۱۰/۱؛ ابن قطلوبغا، ۵۰؛ سیوطی، ۲۵۲/۲.

۴. سبکی، ۲۸۹/۷؛ اسنوی، ۱۸۳-۱۸۴.

۵. فخر رازی، مناقب امام شافعی، ۱۰۵-۱۰۶.

۶. ابن اثیر، اللباب، ۱۴۲/۲؛ یاقوت، معجم البلدان، ۲۳۰/۲؛ ابن عماد، ۸۰/۵.

۷. سبکی، ۲۵/۸؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۷۶/۲۲؛ ابن شهبه، ۵۱/۲.

۸. ذهبی، ۲۸۸/۲؛ صفدی، ۲۷۹/۴.

۹. یاقوت، معجم الادباء، ۱۲۶/۱۹؛ بیهقی، ۹۴، ۱۱۸، ۱۲۷؛ سیوطی، ۲۷۹/۲.

۱۰. وطواط، عرائس الخواطر، ۵۹؛ صفدی، ۹۵/۲۸؛ سیوطی، ۳۵۱/۲.

۱۱. ابن خطیب، ۲۲۰.

ابوموید موفق بن احمد خوارزمی^۱ (د ۵۶۸ ق) و محمد بن محمود خوارزمی (د ۶۰۰ ق) قاضی و امام جامع گرگانج^۲ و در دوره سلطنت علاء الدین تگش (حک: ۵۶۸-۵۹۶ ق) و پسرش محمد خوارزمشاه (حک: ۵۹۶-۶۱۷ ق) خلف مکی خوارزمی و پسرش محمد قاضی القضاة بلاد خوارزم بوده‌اند،^۳ و علاء الدین سدید بن محمد خوارزمی (د ۶۴۵ ق) محتسب خوارزم^۴ بود و ناصر بن عبدالسید مطرزی (د ۶۱۰ ق) که به گفته ابن خلکان در رأس مکتب کلامی اعتزال خوارزم قرار داشت و خطیب و امام جامع گرگانج بود. وی شاگردانی مانند ابواسحاق ابراهیم بن محمد خوارزمی (د ۶۱۷ ق)، ابوالفضائل عبدالخالق و بری (د ۶۲۶ ق)، مجد الافاضل الطرائقی و نجم الاثمه طاهری خوارزمی را در طریقه مذهبی خویش پرورش داد که هر یک مروج آرای کلامی او در خوارزم و در دوره‌ای از روزگار خود به نیابت از او عهده‌دار تشکیلات مذهبی در دولت خوارزمشاهیان بودند.^۵ هم چنین باید از ابوسعید خوارزمی (د ۶۱۷ ق) یاد کرد که در تمام علوم و فنون صاحب نظر و در کلام ید طولایی داشت، نائب مناب سلطان محمد خوارزمشاه در تمامی ممالک شرقی به شمار می‌رفت و تمام علمای پایتخت در تدریس، خطابت و قضاوت به او مراجعه می‌کردند.^۶

در این دوره، اغلب متکلمان و دانشمندان معتزله که همانند عصر مأمون، معتصم و واثق تشکیلات مذهبی، یعنی مناصب خطابت، امامت، و قضاوت دولت را به کف داشتند، سرپرستی مراکز علمی و فرهنگی این مدارس، مساجد و مسائل امور مالی و موقوفات آن‌ها نیز تحت نظارت شان بود؛^۷ به همین دلیل، نظر به گرایش و تعصبی که به مذهب کلامی اعتزال داشتند، داشتند، از دستیابی سایر فرقه‌ها یا دست‌کم شخصیت‌هایی که با اصول و آموزه‌های اعتقادی آنان همسو و همگام نبود، به مقام دیوانی و اداری می‌کاستند.^۸ البته در این میان، برخی از

۱. قفطی، ۳۳۲/۳.

۲. ابن ابی الوفاء، ۱۳۲/۲؛ ابن قطلوبغا، ۶۶.

۳. بغدادی، ۴۶، ۵۰، ۵۶؛ سمعانی، التحبیر، ۲۶۷/۱-۲۶۸؛ غزی، ۲۱۳/۳.

۴. نسوی، ۱۲۵؛ ابن ابی الوفاء، ۳۷۸/۱، ۲۳۸/۲، ۳۰۵.

۵. ابن خلکان، ۱۸۴/۳.

۶. ابن ابی الوفاء، ۴۵-۴۶؛ الموید بالله، ۹۷۶/۲.

۷. قزوینی، ۵۲۹؛ نسوی، ۷۱-۷۲.

۸. بغدادی؛ ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۸۵، ۸۹.

۹. قزوینی، ۳۷۷-۳۷۸.

جریان‌های مذهبی مانند پیروان اشعری و ماتریدیه و خاصه متصوفه از همکاری با دستگاه خوارزمشاهی و همنشینی و مصاحبت با صاحب منصبان دیوانی و مذهبی خوارزم خودداری می‌ورزیدند.^۱ برخی نیز نه تنها با اصول معتزله و سیاست دینی و مذهبی سلاطین خوارزمیه مخالف بودند، بلکه منطقه خوارزم را به سبب پیروی از آموزه‌های معتزله ترک می‌گفتند.^۲ برای نمونه، نجم‌الدین عمر بن احمد الکاخشتوانی، به علت تعصب زیاد بر ضد معتزله تصمیم گرفت جرجانیه، تخت‌گاه خوارزمشاهیان را به قصد بخارا ترک کند تا در میان قبرستان مشایخ معتزله دفن نشود، ولی پیش از عزیمت، اجل به وی مهلت نداد و در همانجا درگذشت و در میان مزار معتزله یعنی محمد بن ابی القاسم بایجوک خوارزمی و جلاله زمخشری مدفون گردید.^۳

پیوند های اعتقادی معتزله خوارزم با اندیشه های امامیه

در این زمینه، باید یادآور این نکته هم بود که مذهب کلامی اعتزال در خوارزم از حیث برخی مباحث اعتقادی نسبت به سایر مکاتب کلامی، با عقاید امامیه قرابت و نزدیکی خاصی داشت و در رشد و گسترش شیعه و نفوذ آن در منطقه مذکور بسیار مؤثر بوده و خوارزمشاهیان در کنار حمایت از این جریان فکری که از حیث اعتقادی با شیعه بخصوص در مسأله امامت بسیار قرابت داشت، با هدف و بینش سیاسی خاص به طرفداری و حمایت از سادات شیعی نیز برخاستند و موجبات جلب و جذب ایشان را در دارالملک خوارزم فراهم ساختند، به طوری که در دوره زمامداری آن‌ها، تعداد کثیری از سادات شیعی را از نقاط دور و نزدیک به دربار خود فرا می‌خواندند و به گرمی می‌پذیرفتند.^۴

پس از آن که خوارزمشاهیان قدرتشان را در سراسر خراسان و ماوراءالنهر و ایران تثبیت کردند، نیت پنهانی و دیرینه خویش را با گرفتن فتوایی از دانشمندان شیعی و علمای معتزلی خوارزم مبنی بر استحقاق سادات شیعی در خلافت اسلامی و عزل خلیفه الناصر عباسی، آشکار

۱. ابن ابی الوفاء، ۳۳۹/۲؛ یاقوت، ۲۵۱/۱۶.

۲. همو، ۳۸۵/۱.

۳. همو، ۹۸/۲، ۱۲۰، ۳۳۹.

۴. بیهقی، ۵۰۴/۲، ۵۰۵، ۶۴۸؛ سمعانی، التحبیر، ۴۱۹/۱، ۱۱۶/۲.

ساختند.^۱ این واقعه افزون بر آن که نفوذ گسترده و رو به تزاید و جا افتاده علویان و متفکران معتزله را در سایه حکومت خوارزمشاهی در دارالملک خوارزم، مرکز امپراتوری خوارزمشاهیان، به تصویر می‌کشد، گرایش و طرفداری جدی خوارزمشاهیان به شیعه و اقتدار سادات شیعی را در جنبه سیاسی نشان می‌دهد.^۲ اینک با طرح برخی از آموزه‌های اعتقادی معتزله خوارزم دلایل حمایت سلاطین خوارزمشاهی از این مکتب روشن می‌شود.

ابومضر محمودبن جریر ضبی الاصفهانی مبدأ تحول مذهبی خوارزم در عصر خوارزمشاهیان وابسته به مکتب اعتزال ابوالحسین محمدبن علی بصری بود که در قرن پنجم ق/ یازدهم م. در بغداد بنیان‌گذاری شده بود و ابوالحسین بصری از شاگردان و پرورش یافتگان قاضی عبدالجبار همدانی مروج آراء ابوهاشم جبائی بوده که پس از تبحر و استادی در کلام، از استادش جدا شد و مدرسه عقلی جدیدی در تخت‌گاه عباسیان بنیان نهاد و به نقد آراء آن دو پرداخت و در قرون ۵ و ۶ ق به عنوان یک مکتب یا حداقل طریقه‌ای مستقل از شاخه مدرسه کلامی بصری در خوارزم به شمار می‌رفت.^۳

بنا به گفته شهرستانی و نجرانی، مذهب کلامی ابوالحسین بصری شاخه‌ای جدا و مستقل از دیگر مکاتب معتزله بود و بصری در چندین میحث کلامی رای آن‌ها را نقض کرد و آرای وی توسط دانشمندان خوارزمی توسعه و تداوم یافت.^۴ به همین خاطر، پیروان بهشمیه او را به سبب جدایی از آرای کلامی و نقض و رد ادله مشایخ اعتزال از قبیل ابوعلی و ابوهاشم و قاضی عبدالجبار مورد انتقاد و حتی تکفیر قرار دادند.^۵

۱. جوینی، ۹۶/۲-۹۷؛ رشید الدین، ۴۷۰/۱؛ خوافی ۲۸۹/۲؛ بناکتی، ۲۳۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام (۶۰۱-۶۱۰ق) ۲۱۷-۲۱۸.

۲. علاوه بر موارد مزبور، زادگاه سلاطین خوارزمشاهی نیز غرjestان و غور بود، و مردم آن از قدیم طرفدار اهل بیت و متمایل به علویان بودند (اسفزاری، *روضات الجنات*، ۳۵/۱-۳۶).

۳. ذهبی، *العبر*، ۲۷۳/۲؛ همو، *الإعلام لوفیات الأعلام*، ۱۸۱؛ همو، *الإشارة الی وفیات الاعیان*، ۲۱۹-۲۴۰؛ همو، *سیر اعلام النبلاء*، ۵۱۷/۱۷-۵۱۸؛ همو، *تاریخ الاسلام* (۴۲۱-۴۳۰، ۴۳۱-۴۴۰)، ۴۳۹-۴۴۰؛ صفدی، ۱۲۵/۴؛

الحررضی یمانی، ۳۵۶؛ ابن خلکان، ۳۵۹/۲-۳۶۰؛ ابن مرتضی، ۱۱۹؛ نجرانی، ۵۹-۶۱.

۴. شهرستانی، *الملل و النحل*، ۶۱/۱؛ همو، *نهاية الاقدام*، ۱۷۵-۱۷۶، نجرانی، ۶۰-۶۱.

۵. ابن مرتضی، ۱۱۸-۱۱۹؛ قفطی، ۲۹۴.

در متون کلامی و ملل و نحل عقاید خاصی را به ابوالحسین نسبت داده‌اند که غالب آن‌ها جنبه کلامی و فلسفی محض دارد، اما در این جا به مطالبی توجه می‌شود که از حیث تاریخی با موضوع مقاله ارتباط دارد.

چنان که می‌دانیم، از مسائل مورد اتفاق مکتب کلامی اعتزال، اصول پنج‌گانه توحید، عدل، وعد و وعید، منزله بین المنزلتین و امر به معروف و نهی از منکر است که هرکس این اصول را به طور کامل بپذیرد، از این فرقه است و هرگاه تنها یکی را منکر شود از این فرقه نخواهد بود.^۱ مدرسه بصره با مکتب بغداد به جز توافق در اصول یاد شده و روش فکری، در بسیاری از موضوعات کلامی با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. آراء و دیدگاه‌های متکلمان مدرسه بغداد غالباً با اصول اعتقادی امامیه نزدیک‌تر بوده و بیشتر مطابقت داشته است. به همین دلیل برخی از دانشمندان شیعه چون شیخ مفید، مکتب بغداد را بر مکتب بصره ترجیح می‌دادند و برخی از آموزه‌های اعتقادی آنان را قبول داشتند.^۲ اکثر متکلمان بصره نظیر ابوالهذیل علاف، ابوعلی و ابوهاشم جبائی در مسئله امامت با اهل سنت توافق داشته‌اند و آن را امری انتخابی می‌دانستند. از متاخران معتزله مانند قاضی عبدالجبار طریقه ابوعلی و پسرش ابوهاشم را پذیرفته بودند، اما در این میان دو تن از متکلمان بزرگ مدرسه بصره، یعنی ابواسحاق نظام و ابوالحسین بصری در برخی از مباحث کلامی و دینی از قبیل امامت با آنان اختلاف کردند و از آنان جدا شدند.^۳ ابوالحسین بصری در بسیاری از اصول مذهب با علمای امامیه مانند سید مرتضی، علم الهدی، همراه بود و اعتقاد داشت امامت امری واجب و وجوب آن عقلی و شرعی است و انتخابی بودن آن را از طرف پیروان بهشمیه با قدرت به نقد کشیده و در این زمینه آثاری چون *غررالدله و الشافی فی الامامیه* را نوشته است.^۴ هم‌چنین قائل به ظهور خوارق عادات و کرامات برای اهل بیت بوده و نظر ابوهاشم و قاضی عبدالجبار را با استدلال عقلی و نقلی از آیات قرآن و احادیث و اخبار نقض و رد کرده است.^۵ وی خاندان پیامبر به ویژه امام

۱. مسعودی، ۲۳۴/۳-۲۳۵؛ خیاط، الانتصار، ۱۲۶-۱۲۷.

۲. کرمر، ۱۱۳، ۱۲۰؛ مادلونگ، ۱۳۱؛ مکدموت، ۶۹، ۸۵، ۹۲، شیخ مفید، *اوائل المقالات*، ۱۸.

Madelung, 7/312-313.

۳. شهرستانی، *الملل و النحل*، ۳۷/۱، ۶۰.

۴. ابن مرتضی، ۱۱۹؛ شهرستانی، *نهایة الاقدام*، ۱۴۱-۱۳۹، ۱۵۱، ۱۷۵-۱۷۶، ۲۲۱، ۳۴۱.

۵. نجرانی، ۳۵۴-۳۵۵.

علی بن ابی طالب را از حیث علم و دانش، فضل و ایمان ارج می‌نهاده و برتر از تمامی صحابه به شمار آورده است. به همین دلیل می‌بینیم که آموزه‌های کلامی و دیدگاه‌های وی در کنار اصول کلامی امامیه و در مقابل اندیشمندان معتزله بصره و سایر فرقه‌های اسلامی ثبت و نگاشته شده است.^۱

این جنبه از آموزه‌های اعتقادی ابوالحسین بصری که توسط ابومضر ضبی از متفکران بزرگ مکتب اعتزال در خوارزم در روزگار خوارزمشاهیان بنیان نهاده شده بود، در نفوذ و گسترش شیعه در بین شاهان خوارزم و دانشمندان معتزلی آن بسیار مؤثر و در تمام دوره خوارزمشاهی تداوم و استمرار داشته است.^۲ از باب نمونه می‌توان به برخی متکلمان معتزلی خوارزم از قبیل فخر خوارزم جارالله زمخشری، (د ۵۳۸ق)، علی بن محمد خوارزمی (د ۵۶۰ق)، ابو المؤید خوارزمی (د ۵۶۸ق)، ابوالحسین علی بن احمد خوارزمی، عمر بن احمد خوارزمی، عبدالمجید براهینی، یوسف بن جعفر خوارزمی، ناصر عبدالسید مطرزی (د ۱۰ق) و نجم الدین مختار غزمینی خوارزمی (د ۶۵۸ق) که طرفدار اهل بیت و متمایل به شیعه بودند، اشاره داشت^۳ و حتی میزان گرایش به شیعه و نفوذ آن در دارالملک خوارزمشاهیان چنان بوده است که برخی دانشمندان آن سرزمین از قبیل عبدالجبار بن عبدالله خوارزمی (د ۸۰۵ق) که آخرین فرد معتزلی است که از مذهب کلامی ابوالحسین بصری در ولایت خوارزم حمایت می‌کرد، با علمای دمشق در خصوص استحقاق اهل بیت پیامبر برای خلافت اسلامی و برتری علی بن ابی طالب بر شیخین مناظره می‌نمود.^۴

گرایش خوارزمشاهیان به تشیع و حمایت از سادات

۱. حلی، کشف المراد، ۴۰۱، ۳۹۰، ۳۰۵، ۳۰۶؛ همو، انوارالملکوت، ۱۴۱-۱۴۰، ۱۳۸، ۳۹۶-۳۹۵؛ همو، یاب حادی عشر، ۵۲-۵۵؛ خواجه نصیرطوسی، کشف المراد، ۴۵۱-۴۵۲.
۲. عبدالجلیل رازی (ص ۴۳۷-۴۳۸) می‌نویسد که معتزله خوارزم در فقه اقتدا به ابوحنیفه کنند و در اصول مذهب اهل بیت دارند.
۳. زمخشری، ربیع الابرار، ۲۲۰/۱-۲۲۱، ۶۴۹؛ یاقوت، ۱۲۹/۱۹؛ خوارزمی، مقتل، ۹۸-۹۹، ۱۴۱-۱۴۲؛ همو، مناقب، ۷۵، ۳۹۷-۳۹۸.
۴. ابن عربشاه، ۲۱۹-۲۲۰؛ سخاوی، ۳۵/۲؛ غزی، ۲۶۲/۲؛ لکنوی، ۱۲۸-۱۲۹؛ ابن حجر، انباء النعمر، ۲۴۴/۲؛ ابن تغری بردی، الدلیل الشافی، ۳۹۴/۱؛ همو، المنهل الصافی، ۱۲۰/۴-۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۶.

پیوندهای اعتقادی معتزله خوارزم با شیعه کاملاً مورد توجه خوارزمشاهیان، خاصه نقطه اتکاء آنان، در پیشبرد مقاصد سیاسی دولت خوارزمشاهی در مبارزه با دستگاه خلافت بوده است. در واقع، جنبه دیگری از سیاست دینی و مذهبی خوارزمشاهیان، گرایش به تشیع و فراخوانی سادات شیعی به دارالملک خوارزم و به کارگیری ایشان در مقامات دیوانی و اداری و ارتباط با ائمه زیدیه بر ضد خلافت عباسی بوده است. برای نمونه می‌توان به اقدامات اتسز، تکش و محمد خوارزمشاه اشاره کرد. اتسز خوارزمشاه که مردی مدبر و با کفایت و بلند همت بود و اساس سلطنت خوارزمشاهیان را پایه گذاری کرد، در این امر کوشش بسیار نمود. چنان که برخی از سادات شیعی نظیر ناصر بن علی علوی از اولاد علی بن ابی طالب، سید زید بن ابی البرکات از کبار سادات، ضیاء الدین حسین بن زید و سید ابوعلی علوی از اعقاب امام موسی کاظم، نقیب علویان مرو را از نقاط دور و نزدیک شرق اسلام به گرگانج فراخواند و در تکریم و تشویق و حمایت از آنان کوشید. سلطان تکش نیز ابی القاسم فخر بن محمد علوی و سید بدرالدین را از بخارا به گرگانج فراخواند و سرپرستی حوزه‌های علمی و فرهنگی خوارزم و بخارا را به ایشان تفویض نمود.^۲ افزون بر این، خوارزمشاه تکش برای تضعیف قدرت و بی‌اعتبار کردن دستگاه خلافت عباسی و پیشبرد مقاصد سیاسی دولت خوارزمی، با قیام‌های علویان زیدی مذهب در ارتباط بود و از آنان حمایت می‌کرد. برای نمونه، وقتی امام ابومحمد عبدالله بن حمزه بن سلیمان ملقب به المنصور بالله (۵۶۱-۶۱۴ ق) از ائمه زیدیه در سال ۵۹۳ ق همراه جمعی از امرای زیدی مذهب آل رسول به نام‌های بدرالدین و محمد بن احمد بن یحیی، قیام کرد و دعوتش به حجاز رسید، شریف مکه قتاده بن ادریس^۳ به او پیوست و سایر علمای زیدیه دیلم، ری و گیلان نیز با او بیعت کردند. سلطان تکش که در این ایام درگیر مبارزات سیاسی با خلیفه الناصر بود، ضمن ارسال سفیری نزد امام زیدی و استقبال و تأیید قیام او، اموال فراوانی در

۱. بیهقی، *لیاب الانساب*، ۵۰۴/۲، ۵۰۵، ۶۴۸، ۷۲۴، ۷۲۵؛ سمعانی، *التحییر*، ۴۱۹/۱، ۱۱۶/۲.

۲. قفطی، ۹۴/۳؛ بغدادی، ۱۰۰-۱۰۱.

۳. قتاده بن ادریس حاکم مکه در عصر الناصر بود که خلیفه عباسی بسال ۶۱۴ ق به دلیل مخالفت او با سیاست دولت عباسی، کوشید به وسیله فدائیان اسماعیلیه، او را به قتل رساند، ولی اسماعیلیه به اشتباه برادرش را به قتل رساندند. این واقعه که در دشت عرفات روز عرفه اتفاق افتاد سبب بروز بلوای بزرگی شد و سلطان محمد را سخت متاثر ساخت و یکی از عوامل لشکر کشی محمد خوارزمشاه به بغداد جهت عزل الناصر و نصب علاء الملک ترمذی به عنوان خلیفه مسلمین بود (ابن اثیر، ۳۵۶/۱۰؛ جوینی، ۱۲۱/۲).

اختیار وی قرار داد و با این کار نهاد خلافت عباسی را به شدت به مخاطره انداخت.^۱ سلطان محمد نیز همین سیاست را دنبال کرد و با دعوت سادات و علویان به دارالملک خوارزم، برخی از مناصب اداری دولت را به آنان سپرد: سید صدرالدین ملک سادات مؤلف تاریخ خوارزمشاهی بر دیوان استیفای خود گماشت^۲ و سید علاء الملک ترمذی، از سادات بزرگ و علمای مشهور خراسان و نقیب علویان و مؤلف کتاب انساب علویان به نام *حطيرة القدس*، را در زمره ارکان و اعیان حکومت در آورد و منصب وزارت بدو داد^۳ و او را به عنوان خلیفه برگزیده خود در برابر الناصر عباسی قرار داد. هم چنین در عرصه رقابت و مبارزات سیاسی با دستگاه خلافت عباسی از افرادی شیعی چون محمد بن عبدالکریم برقمی به عنوان سفیر حکومت خوارزمی استفاده می کرد.^۴ خوارزمشاه در راستای همین سیاست به زیارت مقابر شیعه می رفت و خود را سلطانی دوستدار اهل بیت جلوه می داد.^۵ گذشته از این، بنا بر منشآت و اسناد رسمی خوارزمشاهیان، علویان و سادات نخستین طبقه از طبقات اجتماعی و مذهبی خوارزم محسوب می شدند و از حرمت، جایگاه و حقوق ویژه‌ای برخوردار بودند که دلالت بر میزان نفوذ و اعتبار آنان در میان خوارزمیان و نزد مقامات دیوانی دارالملک خوارزمشاهیان دارد.^۶

در کنار اقدامات مزبور، سلاطین خوارزمیه در ضمن مبارزات سیاسی با دول مجاور می-کوشیدند تا فلاسفه و متکلمان و برخی از علمای حنفی را که به شیعه گرایش داشتند و با معتزله خوارزم به گونه‌ای در ارتباط بودند، به گرگانج جلب و جذب نمایند و از آنان در ترفیع سطح علمی و معنوی پایتخت و نیز پیشبرد مقاصد سیاسی حکومت بهره‌برداری کنند، از این زمره‌اند:

۱. تاج الدین عبدالکریم شهرستانی (د ۵۳۸ ق) فیلسوف و متکلم اسماعیلی که در بارگاه قطب الدین محمد بن انوشنگین و اتسز می‌زیست و با بعضی شخصیت‌های معتزلی مجالس بحث و درس داشت و نزد سلاطین مزبور از احترام و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود. وی در منابع

۱. المؤید بالله، ۵۹۶/۱-۵۹۷، ۶۰۸-۶۰۹.

۲. عوفی، ۱۴۲/۱-۱۴۳.

۳. ابن ابی اصیبعه، ۴۶۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام (۶۰۱-۱۰۶۱ق)، ۲۱۷-۲۱۸.

۴. ابن طقطقی، ۳۲۷.

۵. جوینی، ۷۰/۲-۷۱.

۶. بغدادی، ۴۷، ۱۰۰-۱۰۱.

این دوره به دلیل فعالیت‌های کلامی و فلسفی در دارالملک خوارزمشاهیان به کفر و الحاد و رفض متهم بود.^۱

۲. رکن الدین ابوالفضل کرمانی (د ۵۴۳ ق) از فقهای برجسته حنفی و استاد جمعی از دانشمندان خوارزم که همراه شمار کثیری از علمای خراسان از قبیل فیلسوف بهاء الدین خرقی، فیلسوف علی بن محمد القانی، دانشمند و فقیه بزرگ محمد بن حسین ارسابندی و ابومنصور العبادی در معیت اتسز به گرگانج عزیمت کرده در کنف حمایت او به اشاعه علم در خوارزم، اهتمام ورزیدند. رکن الدین ابوالفضل کرمانی و محمد بن حسین ارسابندی، بسیار به شیعه متمایل بودند و ابوالمؤید الموفق خوارزمی معتزلی احادیث فراوانی از آن دو در آثارش در خصوص مناقب و فضائل اهل بیت و احادیثی چون حدیث منزلت و غدیر نقل کرده است.^۳

همچنین سلاطین خوارزمشاهی با درایت و تدبیر سیاسی برای پیشبرد مقاصد سیاسی دولت خوارزم و بی‌اعتبار کردن دستگاه خلافت عباسی در ممالک شرقی که به شخصیت‌های متنفذی چون امام فخر رازی متکلم برجسته این دوران متکی بود، اقدام به جلب رضایت و جذب او به دربار خوارزمشاهی نمودند و با حمایت‌های مادی موفق به حضور دیرپای او به دارالملک خوارزم گردیدند و در همین جهت، سلطان محمد دختر فخر رازی را به عقد سید علاء الملک ترمذی علوی وزیر و خلیفه برگزیده خوارزمشاهیان درآورد و در این زمینه امام فخر رازی عالم بزرگ سنی مذهب بخش شرقی عالم اسلام را با سیاست خود همگام کرد.^۴ به همین دلیل برخی نویسندگان، از این که فخر رازی بیش از اندازه با دولت خوارزمی که در تلاش برای بی‌اعتباری و براندازی دودمان عباسی بوده و با آنان همکاری می‌کرده، بر او خرده می‌گیرند و به خاطر مناسبات فخر رازی با سیدعلاءالملک علوی و همسویی با سیاست مذهبی خوارزمشاهیان، او را به طرفداری از مذهب علویان متهم می‌نمایند؛^۵ و نیز سلاطین خوارزمشاهی از نفوذ فخر رازی در کاهش نفوذ متصوفه خراسان ضد مشایخ متصوفه نظیر نجم

۱. سمعانی، التحبیر، ۱۰۲/۱۲-۱۰۶؛ سبکی، ۱۲۹/۶-۱۳۰؛ صفدی، ۲۷۹/۳؛ الحررضی یمانی، ۴۲۷-۴۲۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، (۵۴۱-۵۵۰ ق)، ۳۲۷-۳۲۹.
۲. ابن ابی الوفاء، ۲۰۴/۱، ۳۰۲، ۳۰۴؛ ابن اثیر، ۳۲۳/۹.
۳. خوارزمی، مقتل، ۹۲/۱، ۱۴۱-۱۴۳.
۴. ابن ابی اصیبعه، ۴۶۶.
۵. اسنوی، ۲۴/۲؛ العبادی، ذیل طبقات الفقهاء الشافعیین، ۲۷-۲۸، ابن حجر، لسان المیزان، ۴۲۸/۴-۴۲۹؛ الحررضی یمانی، ۴۹۰؛ ابن کثیر، ۱۰/۷؛ شهر زوری، ۱۴۷/۲-۱۴۸.

الدین کبری خیوقی و شیخ مجدالدین بغدادی بهره‌برداری می‌کردند.^۱ راوندی، مورخ متعصب که از حمایت طغرل آخرین حکمران سلاجقه برخوردار بود، خوارزمشاهیان را به دلیل اتخاذ سیاست مذهبی مبنی بر شیعه‌گری و اتکایشان به آنان به باد انتقاد گرفته است.^۲

نفی مخالفان مذهبی و صوفیه

خوارزمشاهیان از وجود شخصیت‌های برجسته کلامی علیه آن دسته از شخصیت‌های مذهبی که مخالف سیاست مذهبی‌شان بودند، بهره می‌گرفتند و از نفوذ و گسترش آموزه‌های آنان جلوگیری می‌کردند.^۳ همچنین در حوزه‌های حکمرانی خود، از قدرت و نفوذ اجتماعی و مذهبی علمایی که مخالف سیاست مذهبی‌شان و همسو با دستگاه خلافت عباسی بودند، می‌کاستند و با عزل آنان از مقام مذهبی صدارت، خطابت و فقاہت، تبعیدشان می‌کردند؛ برای نمونه، برهان الدین محمدبن احمد بخارایی ملقب به «صدرجهان» خطیب و پیشوای حنفیان در بخارا به اتفاق دو فرزندش ملک الاسلام و عزیز الاسلام و برادرش «افتخار جهان» و نیز شیخ الاسلام جلال الدین، میرشمس الدین و برادرش اوحیدین^۴ و بهاء ولد که خوارزمشاهیان را به سبب گرایش به کلام و حضور معتزله در دربار آنان به بدعت متهم می‌کرد از شرق عالم اسلام تبعید نمودند.^۵ افزون بر این، با مشرب صوفیانه خوارزم، یعنی طریقت نجم الدین کبری، نیز به شدت مخالفت می‌کردند و به طرق گوناگون از نفوذ اجتماعی آن در میان طبقات اجتماعی خوارزم می‌کاستند.^۶ به همین دلیل در این روزگار طریقت کبرویه در دارالملک خوارزمشاهیان وزن و اعتباری نیافت و حتی یک شخصیت خوارزمی که دست ارادت به نجم الدین کبری خیوقی (۶۱۸ق) داده باشد و در زمره اصحاب وی محسوب شود، در منابع نمی‌توان یافت.^۷

۱. ذہبی، تاریخ الاسلام (۶۰۱-۶۱۰)، ۲۱۷-۲۱۸ (حوادث ۶۱۱-۶۲۰)، ۳۹۲-۳۹۳؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ۱۱۳/۲۲؛ صفدی، ۲۶۳/۷؛ سبکی، ۲۶/۸؛ ابن شہبہ، ۵۱/۲، ۶۵-۶۷، ۲۴۸/۴؛ خوارزمی، ینبوع الاسرار، ۴۱ و به بعد، افلاکی، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۳؛ جامی، ۴۵۷-۴۵۸؛ خوارزمی، ۱۲۲-۱۲۳.

۲. راوندی، ۳۸۴.

۳. ابن ابی الوفاء، ۳۲۳/۱، ۴۰۷/۲-۴۰۸؛ غزی، ۳۵۸/۴.

۴. نسوی، ۳۶-۳۷، ۵۷.

۵. افلاکی، ۱۳/۱؛ جامی، ۱۰/۱، ۱۲؛ علیشیر نوائی، ۳۲۲؛ بهاولد، ۸۲/۱؛ خوارزمی، جواهر الاسرار، ۱۲۲/۱.

۶. خوارزمی، ینبوع الاسرار، ۴۱؛ جامی، ۴۲۶؛ مستوفی، ۴۹۶، ۷۸۸-۷۸۹؛ مجالس العشاق، ۸۶.

۷. بررسی منابع تاریخی، تراجم و طبقات و متون متصوفه معلوم می‌دارد که حرکت و فعالیت صوفیه با ظهور نجم الدین کبری خیوقی آغاز شد، ولی نفوذ و توسعه آن پس از فروپاشی دولت خوارزمشاهیان (۶۱۸ق) بوده است؛

نتیجه گیری

با آن که سلسله خوارزمشاهی مانند غزنویان و سلاجقه ترک تبار بود، ولی نظر به فراهم نمودن بستر مناسب برای گرد آمدن متفکران و پرورش افراد فرهیخته در حوزه کلام و معارف عقلی و نیز نظر به تربیت علمی و فرهنگی آنان و آگاهی ایشان از موقعیت و جایگاه خود، می‌توان آن را یکی از معدودترین دودمان‌های سیاسی دانست که شرق عالم اسلام تا آن وقت به خود دیده بود. به پشتوانهٔ کردانی و مدیریت این دولت در ایجاد توازن و میان سیاست دینی و مذهبی، اجتماعی و فرهنگی، حوزه فرمانروایی شان از جهت علمی اوج و اعتبار تازه‌ای یافت. و یکی از شکوفاترین دوره‌های سیاسی در تاریخ خوارزم شکل گرفت و شماری از مهم‌ترین و برجسته‌ترین متکلمان و فیلسوفان در این سرزمین تربیت شدند. سلسله مزبور با هدف دستیابی به قدرت دنیوی و قلمرو خلافت عباسی که دارای گرایش اشعری و حنبلی بودند، به ایده‌های معتزلی نزدیک شدند و به دلیل قرابت اندیشهٔ مکتب اعتزال و تشیع در بعد امامت، مکتب تشیع و سادات را تحت حمایت خود قرار دادند؛ بدین ترتیب گرایشات شیعی در خوارزم نفوذ و رسوخ یافت به گونه‌ای که این جریان فکری تا قرن ۷ و ۸ در جهان اسلام تداوم داشت و نتیجهٔ آن عدم استحقاق خلافت بنی‌عباس در دیدگاه معتزله خوارزم و تشیع بود و فرصتی برای تشیع در

زیرا در طول حیات معنوی او در خوارزم عدهٔ بسیاری از مشتاقان طریقت نزد وی گردآمدند و از او بهره گرفتند که همهٔ آنان غیر خوارزمی بودند. شاگردان و مریدان خیوقی اینها: شیخ رضی الدین علی لالا (۶۴۲ق)؛ شیخ عین الزمان گیلی (۶۵۰ق)؛ شیخ نجم الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴ق)؛ شیخ سیف الدین باخرزی (۵۸۶-۶۹۵ق)؛ شیخ سعدالدین حمویه (۵۸۰-۶۵۰ق)؛ نجم الدین ابوالعباس احمد مقدسی؛ ابومحمد عبدالعزیز بن حسین بن هلاله (سبکی، ۲۵/۱؛ صفدی، ۲۶۳/۷؛ اسنوی، ۱۸۶۱۲؛ جامی، ۴۱۷-۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۴۴، ۴۳۳، ۴۵۸؛ خوارزمی، جواهر الاسرار، ۱۱/۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۹؛ علیشیرنوائی ۳۱۹-۳۲۰؛ داودی، ۵۸-۵۷/۱؛ ابن شهبه، ۵۱/۲؛ امین رازی، ۴۵/۲، ۱۶۵، ۱۰/۳، ۱۳۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۹، ۴۷۷؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۶۱۱-۶۲۰ (۶۲۰-۳۹۲-۳۹۳؛ همو، ۶۳۱-۶۴۰) ۳۶۱-۳۶۲؛ همو (۶۵۱-۶۶۱) ۶۷؛ علاوه بر این، در زمینهٔ علم حدیث یعنی کتاب شرح السنه نوشته حسین مسعود بغوی شافعی (۵۱۶ق) را که از محضر خیوقی در گرگانج در سال ۶۱۵ ق بهره گرفتند، جملگی غیر خوارزمی بودند: محمد بن احمد عزالدین (ابن فوطی، ۲۹۱/۱)؛ عمر بن عبدالکریم قزوینی (همو، ۴۷۷/۴)؛ فخرالدین ابومحمد عثمان سرمادی الارانی (همو، ۶۸/۳)؛ محب الدین ابومحمد عبدالعزیز اندلسی الطبری (همو، ۲۱/۵-۲۲؛ منذری، ۲۱/۳؛ سبکی، ۲۵/۸؛ یاقوت، معجم البلدان، ۲۱/۴)؛ مجدالدین ابوالقاسم علی الزاد کافی طوسی صوفی (ابن فوطی، ۴۷۷/۴)؛ علاء الدین علی بن محمد العصمی اشعری (همو، ۳۳۴/۲)؛ مجدالدین ابونصر محمد بن ابی حامد اشعری (همو، ۵۰۶/۴)؛ نجیب الدین ابوالوفاء العرضی و ناصر بن منصور السفار (منذری، ۶۴۴/۳؛ سبکی، ۲۵/۸).

عرصه نظام سیاسی به وجود آورد تا جایی که بر آن شد تا قدرت خلافت را به آنان منتقل نماید. مجموعه این عوامل بستر مناسبی برای استمرار و فعالیت اندیشه‌های معتزلی و شیعی در تشکیلات دیوانی و مذهبی در دولت خوارزمشاهیان فراهم آورد. اما افول این دولت نظر به از دست دادن پایگاه سیاسی آن، زمینه افول مکتب کلامی اعتزال که خوارزمشاهیان را در پیشبرد اهداف سیاسی‌شان بسیار مدد رسانده بود، فراهم ساخت و سرانجام با دسیسه‌های خلافت عباسی و مهم‌تر از آن با هجوم مرگبار مغولان، رو به زوال یافت. این حادثه زمینه رشد و نفوذ جریان اشعری‌گری و صوفی‌گری را سبب گشت و طومار مکتب اعتزال در شرق عالم اسلام در هم پیچیده شد.

کتابشناسی

- ابن ابی اصیبعه، ابی العباس احمد، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، به کوشش نزار رضا، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاة، بیروت، بی تا.
- ابن ابی الوفاء، ابومحمد، *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه*، هند، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۶ ق.
- ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش یوسف الدقاق، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۸ م.
- _____، *اللباب فی تهذیب الانساب*، به کوشش عبداللطیف حسین عبدالرحمن، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م.
- ابن تغری بردی، ابی المحاسن، *المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی*، به کوشش محمد امین، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۸۶ م.
- _____، *الدلیل الشافی علی المنهل الصافی*، به کوشش الحافظ عبدالعلیم النحان، بیروت - لبنان، عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، *انباء العمر بابناء العمر*، به کوشش حسن جشی، قاهرة، لجنة احیاء التراث الاسلامی، الجز الثانی، ۱۳۵۹ ق / ۱۹۱۷ م، الجزء الثالث، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- ابن خطیب، احمد، *الوفیات*، به کوشش عادل نویهض، بیروت - لبنان، المکتبة الجزائریة، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م.

- ابن خلکان، شمس الدین، *وفیات الاعیان فی انباء ابناء الزمان*، به کوشش محمد عبدالرحمن مرعشی، بیروت- لبنان، دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
- ابن شهبه، تقی الدین، *طبقات الشافعیه*، به کوشش حافظ عبدالعظیم الخان، بیرون - لبنان، عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
- ابن طقطقی، محمد، *الفخری*، بیروت، دارصادر، (بی تا)
- ابن عربشاه، احمد، *عجائب المقدور فی اخبار تیمور*، به کوشش احمد فایز الحمیصی، سوریه، موسسه الرساله، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
- ابن عماد، عبدالحی، *شذرات الذهب*، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
- ابن فندق، علی، *لباب الانساب و القاب و الاعقاب*، به کوشش سید مهدی رجایی و سید محمود مرعشی، قم، مطبعة بهمن، ۱۴۱۰ ق.
- _____ *تتمة صوان الحکمة*، به کوشش رفیق العجم، بیروت - لبنان دارالفکر اللبناني، ۱۹۹۴ م.
- ابن فوطی، عبدالرزاق، *مجمع الآداب فی معجم الالقاب*، به کوشش محمد کاظم امام، تهران، موسسه وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق.
- ابن قطلوبغا، قاسم، *تاج التراجم فی طبقات الحنفیه*، بیروت - لبنان، دارالمأمون التراث، ۱۹۹۲ م.
- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایه و النهایه*، به کوشش محمد عبدالعزیز النجار، قاهره، دارالغد العربی، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
- _____ *طبقات الفقهاء الشافعیین*، به کوشش احمد عمر هاشم و محمد زینهم محمد غرب، القاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- ابن مرتضی، یحیی، *البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار*، به کوشش محمد تامر، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
- _____ *طبقات المعتزله*، به کوشش سوسنه دیفلد - فلزر، بیروت - لبنان، دارالمنتظر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۹۸ م.
- اسفزاری، معین الدین، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات*، به کوشش محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.

- اسنوی، عبدالرحیم، طبقات الشافعیه، به کوشش کمال یوسف الحوت، بیروت - لبنان، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- افلاکی، احمد، مناقب العارفین، به کوشش تحسین یازیجی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- بار تولد، و. و. ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
- _____ خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- باسورث، ک. ا. «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران» تاریخ ایران کمبریج، گردآورنده جی. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
- باله، امین الدین، «مالی»، سفینه تبریز، گردآوری ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، چاپ عکسی از نسخه کتابخانه مجلس، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ش.
- بغدادی، محمد، التوسل الی الترسل، به کوشش احمد بهمنیار، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۱۵ش.
- بناکتی، داود، روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ش.
- بهاء ولد، محمد، معارف، به کوشش فروزان فر، تهران، چاپخانه مجلس، ج ۱، ۱۳۳۳ش، ج ۲، ۱۳۳۸ش.
- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷ش.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات الانس من حضرت القدس، به کوشش مهدی توحیدی پور، تهران، کتابفروشی محمودی، ۱۳۳۷ش.
- جوزجانی، منهج الدین سراج، طبقات ناصری، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ش.
- جوینی، عطاء الملک، تاریخ جهانگشا، به کوشش محمدبن عبدالوهاب قزوینی، تهران، انتشارات بامداد، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
- الحررضی الیمانی، یحیی، غربال الزمان فی وفیات الاعیان، به کوشش محمد ناجی زعبی العمر، دمشق، ۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م.

- حسنی رازی، سید مرتضی، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، به کوشش عباس اقبال، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- خوارزمی، الموفق بن احمد، مناقب علی، به کوشش شیخ مالک محمودی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- _____ مقتل حسین، به کوشش محمد السماوی، ایران، دارانوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.
- خوارزمی، کمال الدین حسین، جواهر الاسرار و زواهر الانوار، به کوشش محمدجواد شریعت، موسسه انتشاراتی مشعل اصفهانی، ج ۱، ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ۱۳۶۶ ش.
- _____ ینبوع الاسرار فی نصاب الابرار، به کوشش مهدی درخشان، تهران، انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۶۰ ش.
- خیاط، ابی الحسین عبدالرحیم، الانتصار و الرد علی ابن الراوندی الملحد، به کوشش نیبرج، مطبعه دارالکتبه المصریة بالقاهره، ۱۳۳۴ ق / ۱۹۲۵ م.
- داودی، محمدین علی، طبقات المفسرین، به کوشش علی محمد عمر، قاهره، مطبعه الاستقلال الکبری، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- ذهبی، ابوعبدالله محمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت - لبنان، دارالکتب العربی، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م.
- _____ سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب الارنووط و دیگران، بیروت - لبنان، موسسه رساله، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
- _____ دول الاسلام، به کوشش فهیم محمد شلتوت و محمد مصطفی ابراهیم، الهيئة المصریة العامه الکتاب، ۱۹۷۴ م.
- _____ العبر فی خبر من غیر، به کوشش ابوهاجر محمد سعیدین بسیونی و زغلول، بیروت - لبنان، دارالکتب.
- _____ الاعلام لوفیات الاعلام، به کوشش ریاض عبدالحمید مراد و عبدالجبار زکار، بیروت - لبنان، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
- _____ الاشارة الی وفیات الاعیان المنتقی من تاریخ الاسلام، به کوشش ابراهیم صالح، بیروت - لبنان، دارابن اثیر، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.

- راوندی، محمدبن علی، *راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق*، به کوشش محمد اقبال بانضمام حواشی و فهارس و تصحیحات لازم مینوی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود، *ربیع الابرار*، به کوشش سلیم النعیمی، بغداد، مطبعه الاعظمیه، ۱۹۷۶م.
- سبکی، تاج الدین عمر، *طبقات الشافعیة الكبرى*، به کوشش محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمدالحلو، قاهره، طبع عیسی البابی، ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۴م.
- سخاوی، شمس الدین محمد، *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، بیروت - لبنان، منشورات دارمکتبه المیاه، بی تا.
- سمعانی، ابی سعید عبدالکریم، *التحیر فی المعجم الكبير*، به کوشش منیره ناجی سالم، بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۵۹ق / ۱۹۷۵م.
- سیوطی، جلال الدین، *بغیة الوعاة فی طبقات اللغات و النحاة*، به کوشش محمد ابوالفضل، طبع عیسی البابی الحلبی، ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م.
- شبانکاره ای، محمدبن علی، *مجمع الانساب*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- شهرزوری، شمس الدین محمد، *نزهة الارواح و روضة الافراح فی تاریخ الحکما و الفلاسفه*، به کوشش خورشید احمد، حیدرآباد دکن، ۱۹۷۶م.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد، *الملل و النحل*، به کوشش ابوعبدالله السعید المندوه، بیروت - لبنان، موسسه الکتب الثقافیة، الطبعة الثانية ۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م.
- _____ *نهاية الاقدام فی علم الکلام*، به کوشش الفرد جیوم، دارالکتب اللبنانی، بی تا.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، *اوائل المقالات فی المذهب المختارات*، به کوشش الحاج عباسقلی، مکتبه سروش تبریز.
- صفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، به کوشش دیدرینغ و دیگران، دارالنشر فرانز شتاينر ویسبادن، ج ۲، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م؛ ج ۳، ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م؛ ج ۴، ۱۹۵۹م؛ ج ۱۳، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م؛ ج ۲۵، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.

- عبادی، ذیل طبقات الفقهاء الشافعیین، به کوشش احمد عمر هاشم و محمد زینهم محمد، قاهره، مکتبه التقایة الدینیة، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م.
- عبدالجلیل قزوینی، نصیرالدین، النقص، به کوشش محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
- علامه حلی، جمال الدین، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، به کوشش محمد نجفی - زنجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ش.
- _____ باب حادی عشر، شرح فاضل مقدم، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
- _____ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه و شرح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ش.
- عوفی، محمد، تذکرة لباب الالباب، به کوشش ادوارد براون، تهران، کتابفروشی فخر رازی، ۱۳۶۱ش.
- غزی، تقی الدین، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، به کوشش محمد الحلو، دارالرفاعی، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- فخر رازی، محمد، جامع العلوم، به کوشش سیدعلی آل داود، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۲ش.
- _____ مناقب الامام الشافعی، به کوشش احمد حجازی سقا، مصر، مکتبه الکیات الازهریة، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.
- قزوینی، زکریابن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت - لبنان، مطبعه دار صادر، ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۰م.
- قفس اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان، تهران، نشر گسترده، ۱۳۶۷ش.
- قفطی، ابوالحسن علی، تاریخ الحکما، طبع لایبزیك، ۱۹۰۳م.
- _____ انباء الرواة علی ابناء النحاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالکتب المصریة، ۱۳۷۴ق / ۱۹۵۷م.
- کاهن، کلود، « اوضاع ترکان در فاصله بر افتادن سلجوقیان و برآمدن مغولان »، سلجوقیان، ویراستار باسورث و دیگران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۰ش.

- کرمر، جوئل، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- گازرگاهی، حسین، *مجالس العشاق*، کانپور، ۱۳۱۴ ق.
- لکنوی، محمد، *الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه*، کراچی، ۱۳۹۳ ق.
- محمد خوافی، *مجمعل فصیحی*، به کوشش محمود فرخ، مشهد، چاپ طوس، ۱۳۲۹ ش.
- محمود نجرانی، *مختار، الکامل فی الاستقصاء*، به کوشش السید محمد الشاهد، قاهره، لجنة احیاء التراث، ۱۴۲۰ ق / ۱۹۹۹ م.
- مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
- مسعودی، ابوالحسن، *مروج الذهب فی معادن الجواهر*، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت- لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
- مقدسی، ابوشامه عبدالرحمن، *تراجم الرجال القرنین السادس و السابع*، به کوشش محمدزاهد کوثری، بیروت، دارالجمیل، الطبعة الثانية، ۱۹۷۴ م.
- مکدموت، مارتین، *اندیشه های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۳ ش.
- منذری، زکی الدین محمد، *التکمله لوفیات النقلة*، به کوشش بشار عواد معروف، بغداد، ۱۳۱۹ ق / ۱۹۶۹ م.
- الموید بالله، ابراهیم، *طبقات الزیدیة الکبری*، به کوشش عبدالسلام بن عباس الوجیه، اردن، مؤسسه امام زیدبن علی الثقافیه، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
- نجم الدین دایه، ابی بکر، *مرصاد العباد*، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
- نسوی، شهاب الدین محمد، *سیره السلطان جلال الدین منکبرنی*، به کوشش محبتی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
- نوائی، میرعلی شیر، *مجالس النفائس*، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی به وسیله فخری هراتی و ابن مبارک محمد قزوینی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۳ ش.

- نووی، ابی زکریایحیی، مختصر طبقات الفقهاء، به کوشش عادل عبدالموجود و علی معوض، بیروت- لبنان، مؤسسه الکتب الثقافیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۵۵م.
- وطواط، رشیدالدین، عرائس الخواطر و اباکار الافکار، به کوشش قاسم توپسرکانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
- _____ مجموعه الرسائل، به کوشش محمد افندی فهمی، مصر، مطبعه المعارف، ۱۳۱۵ق.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳ش.
- یافعی، ابومحمد، مرآة الجنان و عبرة البقطان، بیروت- لبنان، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ق/ ۱۹۷۰م.
- یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم الادباء، به کوشش فرید رفاعی، دارالمأمون، مصر، ۱۳۳۵ق/ ۱۹۳۶م.
- _____ معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ج ۱و۲، ۱۹۸۶م، ج ۳و۴، ۱۹۷۹، ج ۵، ۱۹۸۶ م

W.Madelung. "al-mufid", *EI*², vol . 7